

■ **حضرت امیر المؤمنین علی:**
به یاد آرید که لذت‌ها تمام‌شدنی است و پایان ناگوار آن بر جای ماندنی.

■ اذان ظهر: ۱۱:۵۶ ■ غروب آفتاب: ۱۷:۵۷
■ اذان مغرب: ۱۸:۱۵ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۴
■ اذان صبح فردا: ۴:۳۲ ■ طلوع آفتاب فردا: ۵:۵۵

■ پذیرش آگهی: ۸۳۲۳۱۰۰۰
■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۲۸۰۷۵۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین
■ تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■ تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (مج)، کوچه شهید سید کمال فرشی، شماره ۱۴
■ کد پستی: ۴۵۹۵۴-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۶۵/۵۴۴۴
■ تلفن: ۲۲۰۳۰۰۰، ۲۲۰۳۰۰۱، ۲۲۰۴۶۰۶۷

همشهری

صفحه از: علیرضا بهرامی

صفحه آخر

■ همشهری آنلاین: www.hamshahronline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

■ **سیاسی و دیپلماتیک:**
■ مدیر: حسین راجلو
■ **شه‌رنگار:**
■ مدیر: پروانه بهرام‌پژاد
■ مدیر: مریم باقرپور

■ **اقتصاد:**
■ مدیر: حسین لطفی
■ مدیر: مریم موسوی‌پور

■ **تماشاگر:**
■ مدیر: امیر محمد یعقوب‌پور
■ مدیر: لیلی خرسند

■ **گزارش:**
■ مدیر: قهیمه طباطبایی

■ صاحب امتیاز:
■ مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار

■ دبیر تحریریه:
■ شهرام فرهنگ‌گی
■ معاونان سردبیر:
■ علی‌عمادی، شاهین امین

■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سامانی
■ دبیر عکس: امیر پناهی‌پور

■ **سرزمین من:**
■ مدیر: سیده زهرا عباسی
■ دبیر: زهرا رفیعی

■ **جامعه:**
■ مدیر: سعید میر
■ دبیر: فاطمه عسکری‌نیا

■ **تدرستی:**
■ مدیر: جواد نصرتی
■ دبیر: مریم سرخوش

■ **سرنخ:**
■ مدیر: جواد عزیزی
■ دبیر: محمد جعفری

■ **دانش‌پناه:**
■ مدیر: ساسان شادمان
■ دبیر: زهرا خاجی

■ **مشفه آخر:**
■ دبیر: عیسی محمدی

■ **سرگرمی:**
■ دبیر: فرامان شیرزادی

■ **طرح و گرافیک:**
■ دبیر: محمدعلی خلیلی

■ **سردبیر آنلاین:**
■ اسماعیل سلطنت‌پور

■ **معاونان آنلاین:**
■ مجتبی صادقی،
■ کامران یازجی، حامد فوقانی

■ **مدیر فضای مجازی:**
■ زهرا سادات بهشتی

■ **مدیر پخش زنده:**
■ امیرحسین محمد دوست

■ **مدیر تولید تلویزیون:**
■ الهه سادات بهشتی

سوره روز

بدون درخت هر گزا!

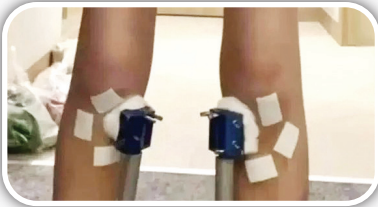


درخت‌ها هم مثل ما آدم‌ها احتیاج به مراقبت دارند. آنها هم گاهی آن قدر از زمانه خسته می‌شوند که زودتر از موعد، به برگ‌هایشان ندا می‌دهند که زرد شوند و رها! این درخت‌ها حتی در اواخر تابستان و زمانی که حتی کسی صدای قدم‌های پاییز را نشنیده، زرد و خشک می‌شوند و بی‌برگ!

حتی برخی از این درخت‌های کلافه، آن قدر به ستوه می‌آیند که تصمیم می‌گیرند با همه ابهت و بزرگی، این پاییز، آخرین پاییز زندگی‌شان باشد و وقتی با آمدن پاییز و زمستان، جان از تن قطورشان به در می‌رود، تصمیم می‌گیرند دیگری بی‌جان بمانند. اما بر خلاف درخت‌های ناامید، برخی درخت‌ها با وجود دردهای فراوان، باز هم به زندگی امیدوارند. آنها در بدترین شرایط هم می‌رویند و اهالی محل را با سبزی و زردی و طراوت‌شان به زندگی امیدوار می‌کنند. برخی از این درخت‌ها بیمار هم می‌شوند، غده‌های سرطانی در ساقه‌های دردمندان بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود و نای‌شان را می‌گیرد، اما این درخت‌ها بیماری را به روی خودشان نمی‌آورند و به احترام خور شدیدی که بالای سرشان است و خاکی که زیر پایشان است و بارانی که بر آنها می‌بارد و مردمانی که زیر سایه آنها، نفس می‌کشند، با وجود همه دردها و رنج‌هایی که بر تن و ساقه و ریشه و برگ دارند، باز هم سرا می‌مانند و سایه می‌گسترند و به آدم‌هایی که از کنارشان می‌گذرند، زندگی می‌بخشند. درخت‌ها هم مثل آدم‌ها احتیاج به مراقبت دارند؛ حتی اگر دردمند و رنجور باشند! باید هوای درخت‌های رنجور را هم داشته باشیم و به جرم درد، آنها را از میان بر نداریم، زیرا زندگی ما آدم‌ها بدون درخت‌ها غیر ممکن است!

دور دنیا

روشی عجیب برای افزایش قدا



این روزها جراحی‌هایی که باعث ایجاد تغییر در ظاهر انسان‌ها می‌شود، بسیار فراگیر شده و از آنجا که ضرب‌المثل «هرغ همسایه غاز است» حتی در عصر فناوری هم کاربرد دارد، بسیاری فکر می‌کنند بینی و چشم و اندام‌های دیگران، بی‌تغییر است و اندام‌های خودشان پریعیب و نقص! به همین دلیل بسیار معمول شده که برخی برای ایجاد تغییر در اندامشان، خود را به دستان تیغ تیز جراحی می‌دهند و بعد از انواع و اقسام جراحی‌های زیبایی، حس بهتری نسبت به‌خودشان پیدا می‌کنند.

جراحی افزایش قد هم روشی درناک و افراطی است برای کسانی که می‌خواهند قدشان چند سانتی‌متر بیشتر شود. اما برای افزایش قد روشی عجیب در برخی کشورها مرسوم شده که به اصطلاح غیرتهاجمی است. این روش اساسا شامل تمرین‌های کششی مختلفی است که ظاهرا پتانسیل رشد افراد را آزاد می‌کند و باعث افزایش قدشان می‌شود. در همین زمینه یک نوجوان چینی که از قد خودش رضایت نداشته، تحت نبلغات یکی از این مؤسسات قرار گرفته و خانواده خود را راضی کرده که با صرف بیش از ۲هزار دلار، قد خود را چند سانتی‌متر افزایش دهد. اما چیزی که خبر این نوجوان را در شبکه‌های اجتماعی بسیار پربازدید کرده، آن است که این نوجوان چینی بعد از حدود ۶ماه شرکت در تمرین‌های این مؤسسه، حدود ۱/۵ سانتی‌متر افزایش قد پیدا کرد! اما پس از ۷هفته توقف تمرین‌ها، دوباره قدش به حالت قبل بازگشته و حتی کمی از قبل کوتاه‌تر هم شده است.

خانواده این نوجوان البته از این مؤسسه شکایت کرده‌اند و تمام پول خود را دریافت کرده‌اند، اما حالا آنها در تلاشند با انتشار این ماجرا، دیگران را از چنین دام‌هایی آگاه کنند. کارشناسان معتقدند که انستسا، رشته‌فرنگی نیست که بتوان اندامش را با کشیدن، بلند کرد و تنها راه قابل اعتماد برای افزایش قد، ورزش‌های غیرتهاجمی است. کارشناسان معتقدند کشش فیزیکی اجباری برای رشد درماتی علمی نیست و اگر افزایش قدی هم رخ دهد، اثری موقتی است.

سیدسروش طباطبایی **پور** | **روزنامه‌نگار** | تا واژه باتوق به گوش می‌خورد، بعضی‌ها فکر می‌کنند باتوق، همانجایی است که کلی آدم عارف و بیسکار دور هم جمع می‌شوند و تخمه می‌شکنند و شر به پا می‌کنند؛ یا جایی است که گروهی از دوستان، همیشه و همواره در آنجا دور هم جمع می‌شوند و با هم در آنجا قرار می‌گذارند برای خوشگذرانی. بد نیست بدانید این کلمه در تهران قدیم، مفهوم دیگری هم داشت:



سلسله‌مراتب اداری نظام

تشکیلات حکومتی در دوره قاجار متزلزل بود، اما هر چه به اواخر دوره ناصری نزدیک‌تر شد، نظم بیشتری به‌خود گرفت. سلسله‌مراتب امور اداری از قرار زیر بود:

- ۱ «حاکم شهر» که بالاترین مرتبه اداری شهر بود و معمولاً از میان شاهزادگان انتخاب می‌شد.
- ۲ «وزیر تهران» که همان معاون حاکم بود و کارهای اجرایی شهر را بر عهده داشت.
- ۳ «کدخدا»، همان رئیس کل باتوق‌های شهر بود.
- ۴ «داروغه» را کدخدا تعیین می‌کرد و رئیس باتوقی در شهر بود.



مسئولیت‌های جزء

هر داروغه با هماهنگی با کدخدا، برخی سمت‌های خُرد اما مهم را بین معتمدینش تقسیم می‌کرد. مثلاً گز مه، شبگیر، مدیر شب، کشیکچی و... از جمله این مسئولیت‌ها بود که معمولاً این شغل‌های دولتی، خیلی هم خواهان داشت. به‌طور مثال، میر شب، مسئولیت امنیت شب را بر عهده داشت و اگر می‌توانست زودی را دستگیر کند، ۱۰ درصد مال کشف‌شده، به‌خودش می‌رسید. کشیکچی‌ها هم بعد از نواختن طبل شب، در محله‌ها را می‌یستند و تا صبح اجازه ورود و خروج کسی را نمی‌دادند، مگر در موارد خاص.



باتوق اصناف

در تهران دوره ناصری، اصناف هم برای خودشان باتوق داشتند. در این دوره اغلب اصناف در قهوه‌خانه‌ها دور هم جمع می‌شدند و با هم جلسه می‌گذاشتند. درواقع باتوق‌ها در این دوره، حکم رسانه هم داشت و افراد در جریان اخبار هم‌صنفی‌های خود هم قرار می‌گرفتند. حتی در باتوق‌ها دستمزدهای یک صنف با هم هماهنگ می‌شد و با تجربه‌ها برخی اطلاعات فنی را در اختیار بی‌تجربه‌ها می‌گذاشتند.

باتوق‌های طهران

باتوق‌های تهران قدیم با شکل امروزی، تفاوت‌های فراوانی داشتند

در مناسبات حکومتی و اداره تهران، باتوق‌ها، نام مکان‌هایی بود که برای اداره و برقراری نظم در نظر گرفته می‌شد؛ یعنی هر محله توسط کدخدای آن محل به چند بخش تقسیم می‌شد و هر باتوق به گروهی واگذار می‌شد تا نظم را در آنجا برپا کنند. اما تهران، چند باتوق حکومتی داشت و باتوق‌ها، کجای تهران بودند؟ در اینجا سری به باتوق‌های حکومتی تهران می‌زنیم.

مفهوم باتوق در تهران قدیم

در دوره صفوی، مناسبات حکومتی، بسیار به‌قاعده و با حساب بود، اما در دوره زندیه، ایران بیشتر به‌صورت ایلاتی اداره می‌شد. تهران پس از تصرف آقامحمدخان، پایتخت شد و کمی سامان گرفت. در این دوره، هر شهر حاکمی داشت که اداره شهر را به‌عهده می‌گرفت. حاکمان معمولاً از بین شاهزادگان قجری انتخاب می‌شدند؛ اما بیشتر امور شهر، به‌دست معاون حاکم انجام می‌شد که به او، وزیر می‌گفتند. در اصطلاح امروزی، وزیران همان کلاترها بودند که امور حکومتی و نظم شهر را به‌عهده داشتند. هر وزیر هم شهر را به چند بخش تقسیم می‌کرد و نام هر بخش را یک باتوق می‌گذاشتند.



تهران چند باتوق داشت؟

علاوه بر ارگ حکومتی، تهران دوره ناصری چهار محله داشت که ۴کدخدا آن را اداره می‌کردند: محله سنگلج، عودلاجان، بازار و چال میدان که هر محله تعدادی باتوق داشت که براساس سرشماری سال ۱۲۷۸ شمسی، تعداد باتوق‌های تهران به ۲۴ می‌رسید. بد نیست بدانید هر باتوق تعدادی خانه، دکان، کاروانسرا، طویله، باغ، یخچال، مسجد و... داشت که داروغه‌ها و نایبش، آن را اداره می‌کردند؛ باتوق‌هایی مثل باتوق سرپولک، باتوق درب حمام در محله چال میدان و... اما اداره برخی باتوق‌ها، از اهمیت بیشتری برخوردار بود. مثلاً بیشتر سرعت‌ها و ناامنی‌ها در باتوق‌های بازار رخ می‌داد، به همین خاطر داروغه‌ها و نایبان خبره‌تری را در رأس باتوق‌های بازار می‌گذاشتند.



زندان‌ها

زندان، همان انبار بود که در اختیار شاه و البته حاکم شهر بود که در ارگ سلطنتی قرار داشت. این زندان، سیاه‌چال‌هایی وحشتناک داشت که دزدان تلاش می‌کردند کاری نکنند که گذرشان به آنجا بیفتد. البته کدخدایان در مراحل اولیه، از اسطبل منزل خود یا داروغه، برای حبس کردن دزدان معمولی استفاده می‌کردند. گاهی هم کار به آنجا نمی‌رسید و مجرم را در همان باتوق، فلک می‌کردند؛ زندان ارگ، معمولاً منتظر زندانیان سیاسی و قاتلان بود که آنها را با غل و زنجیر می‌بستند و در سیاه‌چال‌های مخوف نگهداری می‌کردند. البته بعد از زندان ارگ سلطنتی در دوره قاجار، این زندان قصر در دوره پهلوی اول بود که در ۱۱ آذر ۱۳۰۸ یا ۱۹۲۲ اتاق و ظرفیت ۸۰۰ نفر زندانی افتتاح شد و زندان قصر مهم‌ترین و نخستین زندان رسمی شهر تهران بود.



خوش خبر

افتخار آفرین در ژاپن



قلم‌مو و ذهن خلاق کودکان هنرمند ایران، بار دیگر در یک رویداد معتبر جهانی افتخار آفرید. در بیست‌و‌چهارمین مسابقه بین‌المللی نقاشی محیط‌زیست جی‌کبوی ژاپن، ۸عضو هنرمند کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان توانستند از میان بیش از ۱۸۵۰۰ اثر از ۶۸کشور جهان، جوایز ارزشمندی را به‌دست آورند و هنر ایرانی را به نمایش بگذارند. در این رقابت فشرده که با موضوع حفاظت از محیط‌زیست پرگزار شد، درخشان‌ترین جایزه، یعنی «جایزه ویژه هیأت داوران» به سنا خدایی ۱۳ساله از بشرویه خراسان جنوبی تعلق گرفت. همچنین ۴جایزه اول بخش بین‌الملل به تایش قوی‌بازو (اردبیل)، زهرا جلیلی (تهران)، محیا اسسدی (کردستان) و مهشید قاسمی (اصفهان)، رسید. این موفقیت‌ها با کسب ۵۳دیپلم افتخار توسط محمدرضا موسایی (تهران)، حنا‌نہ نصیری (اردبیل) و زینب رحیمی (اردبیل) تکمیل شد تا کارنامه درخشان ایران در این رویداد هنری بین‌المللی، بیش از پیش بار بار شود. این پیروزی نشان‌دهنده استعداد سرشار و دغدغه‌مندی نسل جدید ایران نسبت به مسائل جهانی است.



عکس خانه

تکلیف امروز: ساختن فردا



همزمان با وزیدن نسیم پاییز و طنین دوباره زنگ مدارس، دیوارنگاره میدان انقلاب تهران نیز جامه نو بر تن کرد تا به استقبال سال تحصیلی جدید برود. این طرح تازه که با شعار محوری «تکلیف امروز: ساختن فردا» رونمایی شده، تصویری سرشار از امید، یوایی و حرکت را در قلب پایتخت به نمایش می‌گذارد.

در این اثر هنری، کلاس درس نه یک محیط بسته، بلکه پنجره‌ای برای پرواز به‌سوی آینده است. دانش آموزان با چهره‌هایی خندان و پرانرژی، درحالی‌که کتاب و پرچم ایران را در دست دارند، از قاب کلاس درس فراتر رفته و در آسمان خیال و پیشرفت اوج می‌گیرند. این تصویر نمادین، به‌زیبایی این پیام را منتقل می‌کند که تکلیف امروز نسل جدید، تنها مشق نوشتن در دفترها نیست، بلکه تمرینی برای ساختن فردایی روشن و آباد برای ایران است. کوله‌پشتی‌هایی که گویی موتور محرک این پروازند و نگاه معلمی که با لبخند، این جهش را نظاره می‌کند، همگی بر اهمیت نقش آموزش و پرورش در ترسیم چشم‌انداز آینده کشور تأکید دارند. این دیوارنگاره، دعوتی بصری برای آغاز مهری پسر از تلاش و امید برای آینده‌سازان این سرزمین است.